

بنام خداوند جان و خرد

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

در این لحظات بحرانی منطقه ای، منافع ملی کشور را همچنان فدای قدرت طلبی های کوتاه بینانه شخصی نکنید!

انحصار طلب هشدار بدهند که نسبت به سیاستی که در پیش گرفته اند تجدید نظر کنند و شرایطی پیش نیارند که جامعه به انفجار کشیده شود. شرایط شدت حساس منطقه ایجاب می کند که با یک چرخش اساسی همه سدها و بندهای پیش روی یک اصلاحات همه جانبه برداشته شود، و فضایی پدید آورده شود که مردم احساس امنیت کنند و به عنوان صاحبان اصلی این سرزمین فرصت مشارکت گسترده در ایجاد ساختاری متناسب با نیاز روز کشور را بیابند. ملت ایران اگر دریابد که میتواند در تعیین سرنوشت خویش استقلال عمل داشته باشد و در چارچوب یک نظام مردم سالار، حاکمیت ملی را استقرار دهد، بی تردید با استواری در برابر هر گونه تجاوز خارجی خواهد ایستاد و از کین ملی و یکپارچگی کشور و استقلال آن قهرمانانه دفاع خواهد کرد. حاکمیت در پی مذاکرات اخیر خود با اتحادیه اروپا باید به روشنی دریافته باشد که فرصت زیادی برای وقت کشی در پیش رو ندارد. تهاراه چاره تن در دادن به خواسته های بر حق ملت و انجام دگرگونی های اساسی مورد نظر جامعه است که به اعتبار آن میتوان از تحمیل آنچه که با منافع ملی ما همخوانی ندارد، جلوگیری کرد. منطقه خاورمیانه در ماههای آینده آستان حوادث سهمگین است که با تشدید جو تشنج داخلی از سوی جناح قدرت طلب، میتواند کشور را در معرض آسیب های جبران ناپذیر قرار دهد. از اینرو بار دیگر به عنوان سازمانی که از جایگاهی ویژه در جامعه برخوردار است، هشدار می دهیم که خطر را جدی تلقی کنید و با پایان بخشیدن به جو کنونی، به نیروهای ملی فرصت دهید تا با جلب حمایت مردم برای گذر از بحران، با همه توان خود به اقدام بپردازند، باشد که میهن را از ترسک ها و با ضربه های مستقیم ویرانگر در امان بدارند.

آن روبرو می باشد، نه تنها بر قدرت نشستگانی که با ملتهای خود شدت مسئله دارند، بلکه حکومت هایی که با اکثریت پایینی از رای ملت بر روی کار هستند، می کوشند تا با ایجاد تغییرات عمده و حرکت در مسیر تشکیل دولت همبستگی ملی با مشارکت نیروهای مطرح در جامعه، توان و میزان حمایت ملی دولت را بالا ببرند تا در برابر رویدادهای پیش بینی نشده قدرت مانور لازم را در دست داشته باشند و بتوانند از منافع ملی کشور پاسداری کنند. ولی دروغا که در سرزمین ما روز بروز ژرفای شکاف میان ملت و حاکمیت بیشتر و بیشتر می گردد، و انحصار طلبان با اعمال سیاست های فشار و تحمیل جو خفقان، بر میزان تنش در جامعه می افزایند. اقلیت صاحب قدرت این جناح هنوز بر این تصور باطل است که با اعمال خشونت و سرکوب، دست آخر کودتا، میتواند روند موجود را متوقف سازد و با حذف فیزیکی شماری از چهره های ملی و برخورد با اصلاح طلبان خودی و انباشتن زندانها از مخالفان و منتقدان، فرصت آنرا بدست خواهد آورد تا با قدرتهای مطرح جهانی به گفتگو نشسته به تفاهم دست بیابد. غافل از اینکه امروز کشورهایی چون عربستان نیز که همیشه و در همه حال همسوی با قدرتهای مذکور گام برداشته اند، امیدی ندارند که با حفظ ساختار موجود بتوانند همچنان از حمایت جهانی برخوردار باشند. امروز، نیروهای ملی ایران که از حمایت گسترده ملت برخوردارند، با وجود فشارهای شدیدی که بر آنها وارد آمده و ستم هایی که کشیده اند، به دلیل اینکه اصل را حفظ منافع ملی میدانند، و نیز با توجه به طرح های نگران کننده ای که گفته می شود قدرتهای بزرگ درباره آینده منطقه و انجام دگرگونی هایی در جغرافیای سیاسی آن در سر می پروراندند، وظیفه خویش میدانند تا به کل مجموعه جناح

اطلاعات، بتوانند جریان اصلاح طلبی را بیش از پیش زیر فشار قرار دهند. نکته جالب در مورد این دادگاه اینست که در ادعای نتایج نظرسنجی نفی نشده، و یا نادرستی آنها را عنوان نگشته، بلکه اینکه چرا متهمان سفارش انجام چنین نظرسنجی ای را پذیرفته اند! به نظر نمی رسد که دستگاه های اطلاعاتی امنیتی کشور از انجام این فعالیتها در سازمان نظرسنجی مورد بحث بی خبر بوده باشند. اینکه چرا طی این همه سالها فعالیت، سازمان زیر سوال نرفته و یکباره چنین جنجالی بر پا می شود، بی شک به افشای نتایج نظرسنجی باز می گردد که بر قدرت نشستگان خوش نیامده است. در همه جای دنیا شخصیت ها و دولتهایی که برای رای و نظر ملت ارزش و احترام قائل هستند، به نظرسنجی هایی که با رعایت ضوابط علمی صورت می پذیرد اهمیت فراوان می دهند. زیرا بر پایه نتایج بدست آمده می توانند به اصلاح عملکرد و سیاستگزاریهای خود بپردازند تا حمایت ملت را از دست ندهند و همدلی و همگامی نیروهای بیشتری را کسب کنند. ولی در این ملک ذهنیت بسته بر قدرت نشستگان در چنان وضع و حالتی است که حتی قادر نیستند گوش خود را برای شنیدن خواسته های ملت و نقدهای صاحب نظران باز کنند و دست کم برای تداوم استقرار خودشان بر قدرت و حفظ موقعیت و حتی موجودیت خویش و کاستن از جو تنش در کشور، به تغییرات نسی تن در دهند.

صاحبان قدرت، بدون توجه به شرایط شدت بحرانی منطقه و اینکه بیشتر مفسران و صاحب نظران نگران پدید آمدن توانی سهمگین در منطقه هستند، همچنان در مسیر برخورد سلطه گرانه با جامعه ناراضی و معترض پامی فشارند. در موارد مختلف و در شرایط بحرانی بسیار ناچیزتر از آنچه که در حال حاضر منطقه خاورمیانه با

نیمه دوم آذرماه تا به امروز را باید یکی از پر تلاطم ترین روزهای سال جاری بشمار آورد. واکنش های شدید جنبش دانشجویی نسبت به برابر رای وحشتناک محکومیت دکتر آقاچری، که از فردای اعلام آن آغاز شد، در سالروز شانزدهم آذر ابعاد گسترده تری یافت. در بسیاری از اجتماعات اعتراض آمیز دانشجویان شمار زیادی از نیروهای لباس شخصی برای سرکوب وارد میدان شدند. حضور بیش از پانصد تن از نیروهای لباس شخصی با اسلحه گرم و سرد در آیین بزرگداشت فروورها و حمله های پی در پی آنان در طول اجرای مراسم و پس از مراسم به مردم و چهره های سرشناسی ملی، و بازداشت تعدادی از جوانان، سرآغاز مرحله جدیدی از برخوردهای خشونتبار حاکمیت برای ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه بود. حاکمیت، با توجه به واکنش های شدید جامعه نسبت به موج بازداشتها، محاکمه ها و صدور حکم های سنگین، که همه به منظور متوقف ساختن حضور گسترده مردم و حمایت آنان از جنبش دانشجویی صورت گرفت، درک کرد که با این شیوه نمیتوان مردم و نیروهای جوان را وادار به سکوت ساخت. از اینرو، حمله به گردهم آیی ها را به عنوان شیوه سرکوب گسترده در برنامه خویش قرار داد. حمله های شدید جماعتداران در تهران، نظیر رویداد دانشگاه امیرکبیر، و در شهرستانهایی چون شیراز و اهواز، در عمل نتیجه بخش نبوده است و دستگیری های پراکنده جوانان، و حتی گروهی از مادران نگران آنان، نیز در کاهش دامنه اعتراضات موثر نبوده است. همزمان با این سرکوبگریها، دادگاه مربوط به نظرسنجی را تشکیل دادند تا مانند بارها در گذشته با وارد آوردن اتهام همکاری با بیگانگان و فروش اطلاعات به آنها، علیرغم اظهار نظر صریح ریاست جمهوری و وزارت

**داد است که آمد به ستوه از بیداد
آنجا که وکیل نیست ایمن به دفاع**
بیداد دهد چه خانمانها بر باد
خون گریه کند فرشته داد، ای داد!
ادیب پرومند

گزارش چند نشست به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

در طی ماه آذر، دانشجویان دانشگاه‌های کشور نشست‌های پر شور و نشاطی به مناسبت گرامیداشت روز دانشجو و طرح مسائل بحرانی روز کشور و برخورد‌های حاکمیت با جنبش دانشجویی بر پا کردند، که شماری از آنها با حضور چهره‌های وابسته به جبهه ملی انجام گرفت:

دانشگاه سهند تبریز:

در روز دوشنبه ۲۵ آذرماه آقای حسین شاه حسینی، نایب رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران، به دعوت دانشجویان این دانشگاه در مراسم بزرگداشت روز دانشجو در آن دانشگاه حضور یافتند و طی سخنانی به شرح رویدادهای جنبش دانشجویی از دوره ۱۴ و ۱۵ مجلس شورای ملی و حمایت دانشجویان از دکتر مصدق، حضورشان در سازماندهی آزادی انتخابات دوره شانزدهم، نقش مؤثر آنان در برابر یک‌تازیهای حزب توده، حمایت گسترده و مؤثر آنان از رویداد تاریخی ملی شدن صنعت نفت، راهپیمایی پر شکوه آنان با نشانه "صنعت نفت باید ملی شود"، جذب آنان به حزبهای ملی و بصورت گسترده در جبهه ملی ایران، حضور دانشجویان در نهضت مقاومت ملی، رویداد دردناک شانزدهم آذر و ... پرداختند، که با استقبال پر شور دانشجویان مواجه شد. از اینرو از ایشان خواسته شد تا در دوشنبه هفته بعد، یعنی دوم دیماه، نیز بار دیگر در آن دانشگاه حضور بیابند. ایشان این بار به همراه آقای هدی صابر، از فعالان گروه مجله ایران فردا، به مراسم دعوت و حضور یافتند. آقای شاه حسینی در این نشست، در دنباله مطالب جلسه گذشته، به تشریح چگونگی جنبش دانشجویی در پی نهضت مقاومت ملی در دوران جبهه ملی دوم و پس از آن تا به امروز پرداختند.

دانشکده مدیریت علامه طباطبایی:

در روز سه شنبه ۱۹ آذرماه، آقای دکتر پرویز ورجاوند، سخنگوی جبهه ملی ایران، به دعوت دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، در آیین بزرگداشت شانزدهم آذر در تالار بزرگ آن دانشکده حضور یافتند و در جمع پر شور دانشجویان درباره پیشینه تاریخی، ویژگی‌ها و شرایط حساس امروز جنبش دانشجویی ایران سخن گفتند. وی در سخنان خود اشاره کرد که امروز بدلیل شرایط بحرانی خاص حاکم بر کشور و عملکرد حاکمیت در محدود ساختن فعالیت سازمانهای سیاسی ملی، عمده بار مبارزه سیاسی بر عهده دانشجویان گذارده شده، از اینرو جا دارد نسل جوان به این رسالت مهم خود توجه داشته باشد و با بهره گرفتن از چندین دهه تجربیات سیاسی جریانهای ملی که میتوانند شرایط پیچیده امروز را به درستی تجزیه و تحلیل کنند، چنان گام بردارند که حاکمیت انحصار طلب نتواند آنها را به واکنش‌هایی شدید بکشاند و سپس با خشونت هر چه بیشتر به سرکوب آنان بپردازد. دکتر ورجاوند بر ضرورت همبستگی نیروهای دانشجویی، پایداری در برابر فشارها و در عین حال پرهیز از حرکت‌های هیجانی و اندیشیدن به آینده و روند رو به رشد اصلاحات اساسی تکیه و تأکید داشت.

مراسم در دانشگاه رازی کرمانشاه:

انجمن اسلامی دانشگاه رازی کرمانشاه، به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو، علیرغم دشواری‌ها و تهدیدهای حاکمیت، در اقدامی ستایش انگیز، به بزرگداشت این روز همت گماشت. عنوان برنامه "یادمان آذران اهورایی" بود. پوستر دعوت به مراسم نیز تصویر احمد باطنی دانشجوی مظلوم دربند را بر خود داشت. میهمانان مراسم آقایان حسین مجتهدی و دکتر افشین جعفرزاده بودند. استقبال وسیعی از سوی دانشجویان صورت گرفته بود. با این حال گروه قابل توجهی از لباس شخصی‌ها بدون کارت ورود در ردیف‌هایی از صندلیهای آمفی تئاتر دانشکده علوم مستقر گردیده بودند. پس از تلاوت قرآن و پخش سرود گئی ایران (که همه برخاسته و با آن هم آواز شدند) بیاتیه انجمن اسلامی خوانده شد. سپس دکتر افشین جعفرزاده با درودگویی به کرمانشاه، بستر تاریخی ۱۶ آذرماه ۳۲ را مد نظر قرار داد و اینکه اعتراض به از سرگیری روابط با انگلستان و محاکمه پیشوای نهضت ملی ایران، دکتر محمد مصدق، از اصلی‌ترین انگیزه‌های ۱۶ آذر بوده است. وی همچنین از شهید پروانه فروهر و سخنرانی او در ۱۶ آذر ۳۹ در دانشگاه تهران و جو خفقان آن روز یاد کرد. حسین مجتهدی نیز با یاد از شهیدان جنبش دانشجویی و دانشجویان دربند، نخست به این نکته اشاره کرد که در شرایطی به این بزرگداشت پرداخته می‌گردد که جراحات وارده از خاطرات تلخ کوی دانشگاه تهران، صحن دانشگاه تبریز و دانشگاه لرستان، هنوز التیام نیافته و مسببان آن در حریم‌های امن قضایی قرار دارند ولی دانشجویان مظلوم در حال ناروان دادن می‌باشند، و استادی فرهیخته چون دکتر هاشم آقاچری به شیوه‌های قرون وسطایی به اعدام محکوم می‌شود و دانشجویان آماجگاه طعن و نهمت‌هایی چون مستی از بوی دلار قرار می‌گیرند. سیه دادگاه‌هایی که بیشتر مخفیانه، قتل‌های زنجیره‌ای آزادیخواهان و روشنفکران را پی می‌گرفتند نیز توجیهاتی از همین دست برای خود داشته‌اند. او در دنباله سخن اشاره کرد که باید مراقب بود تا جریان رادیکالیزه نشود و خردگرایی رخت برنندد، چرا که در آن صورت دو گروه منتفع می‌شوند. گروه‌های سرکوب افتدراگرایی داخلی و گروه‌های زاده استبداد خارجی که با پیشینه‌های استبدادی و استعمارجویی خود اکنون نیز فریبکارانه در پی آنند که بر موج احساسات پاک دانشجویان سوار

شوند و اهداف خود را دنبال کنند.

آیین بزرگداشت در دانشگاه اهواز:

در روز چهارشنبه بیستم آذرماه، در پی دعوت دانشجویان دانشکده دامپزشکی دانشگاه اهواز مراسمی پر شور در تالار اجتماعات دانشکده مذکور برگزار شد. در آغاز، فیلمی را که از جریان حمله ۱۸ تیرماه به خوابگاه دانشگاه تهران و سپس فیلمی را که از یورش چند روز پیش به اجتماع دانشگاه اهواز از سوی لباس شخصی‌ها تهیه شده بود به نمایش گذاشته شد که بسیار تأثیر گذار بود. سپس دانشجویان از دکتر پرویز ورجاوند، عضو رهبری و سخنگوی جبهه ملی، که برای شرکت در این مراسم دعوت شده بود خوانستند تا درباره اهمیت جنبش دانشجویی و نقش آن در طول چند دهه اخیر سخن بگویند. دکتر ورجاوند با اشاره به فیلمی که به نمایش گذارده شده بود و صحنه‌های مقاومت چشم گیر دانشجویان دختر و پسر در برابر تجاوزگران، این پایداری را به آنها تریبک گفت و آرزو کرد که همچنان در مسیر دفاع از منافع ملی استوار باقی بمانند. وی سپس با اشاره به مبارزه دانشجویی در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت و سپس مبارزه آنان در جبهه ملی دوم در ایران و خارج کشور، بیان داشت که جنبش دانشجویی از زمان شکل گیری تا به امروز همیشه نقشی توانا در مبارزه با سلطه بیگانگان و حکومت‌های فشار و سلطه بر عهده داشته است. او با اشاره به شرایط بحرانی منطقه و موقعیت ایران، خواستار آن شد که دانشجویان با شناخت کامل از منافع ملی اجازه ندهند جریانهای خاص جامعه را به واکرایی بکشاند و همبستگی ملی برای استقرار حاکمیت ملی، حفظ استقلال و یکپارچگی کشور را با خطر مواجه کنند. سخنان دکتر ورجاوند با استقبال فراوان و هیجان گسترده دانشجویان مواجه شد.

مخالفت با پریایی مراسم:

در آذرماه، از سوی دانشگاه علامه مقدس اردبیلی در اردبیل، دانشگاه بین المللی قزوین و دانشگاه امیرکبیر نیز از جبهه ملی برای انجام سخنرانی دعوت شد. در اثر مخالفت مقام‌های امنیتی اردبیل و قزوین با هر سه تن از اعضای معرفی شده برای سخنرانی، و حتی حضور آنان در مراسم، مخالفت شد. مراسم دانشگاه امیرکبیر هم پیش از برگزاری، با حضور گسترده نیروهای لباس شخصی به خشونت کشانیده شد.

یادبودها

۱۲ دی سالگرد درگذشت آیت الله حاج سید رضا زنجانی

نوزده سال از درگذشت این بزرگمرد روحانیت می‌گذرد. نزدیک به نیم قرن پیش، پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، ۱۳۳۲، زنجانی وجهه عظیم و پیشینه سترگ و مبارز خود را به میدان آورد و به مردم ناامید و افسرده ایران نوید داد که "نهضت ادامه دارد".

خانه آیت الله زنجانی همیشه مرکز فرهنگ دوستان و آزادگان و مرجعی برای روشنفکران و میهن دوستان پیرو راه مصدق بزرگ و مردم سالاری بود. زنجانی، همانگونه که تاریخ معاصر ما شاهد بوده، همواره، بدون هیچ توقع و ادعا، در خدمت دین و میهن بوده است. او نه در پی قدرت طلبی، نه در پی منافع اقتصادی و نه در پی نام و مقام بود. او برای خدمت به مردم آفریده شده بود و فقط همان می‌کرد.

آیت الله عظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری او را به عنوان یکی از یاران راستین دین همواره می‌ستود و گرامی می‌داشت. مانیز یاد او را همیشه گرامی می‌داریم.

آیین سالگرد درگذشت جهان پهلوان غلامرضا تختی

روز ۱۷ دی، اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران و شماری از اعضاء سر مزار شادروان جهان پهلوان غلامرضا تختی، عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران، در این بابویه، حاضر خواهند شد و تاج گلی به این مناسبت نثار روح همیشه زنده اش خواهند کرد.

اتوبوس و وسیله نقلیه برای علاقمندان شرکت در این مراسم، در ساعت ۳۰۹ بامداد سه شنبه ۱۷ دی، در میدان ۷ تیر، جلوی مسجد الجواد، آماده خواهد بود.

۱۶ آذر "روز دانشجو" و تحریف تاریخ

آقای علی یونسی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، در آیین برگزاری همایش "اسناد و تاریخ معاصر" اظهار داشتند: "... ما احساس کردیم دیگران در خارج از کشور به تحریف و قلب تاریخ مشغول شده اند و از آنجا که نسل جوان ما آن حوادث و تاریخ را ندیده، ممکن است با خواندن نوشته های تحریف شده تاریخی به خطا بیفتند..." و در ادامه اظهار داشتند: "... نباید گذاشت نسل جدید جامعه به فراموشی تاریخی مبتلا شود و این بزرگترین هویت ملی ماست... اگر ملتی از گذشته خود برید و منقطع شد، به یک ملت بی شناسنامه و بی هویت تبدیل خواهد شد..." سپس در زمینه ۱۶ آذر گفتند: "... ۱۶ آذر بعنوان سند همیشه زنده خیانت رژیم گذشته و اربابش آمریکا در بدترین شرایط، در دوره حاکمیت رژیم پهلوی، توسط دانشجویان همواره زنده نگاهداشته شد... ۱۶ آذر یادآور جنایات آمریکا و نوکرش شاه در ایران است و این حادثه به نفع دشمن در حال تعریف است. در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، سه تن از دانشجویان معترض به سیاست های آمریکا و سفر "تیکسون" معاون رییس جمهوری وقت این کشور به ایران در دانشگاه تهران توسط نیروهای رژیم پهلوی به شهادت رسیدند... در خاتمه افزودند: "... نگران هستم نسل کنونی با گذشته خود وداع کند..."

آقای یونسی اما با گفتار شما کاملا در این باره موافقم و بر این اعتقادیم که باید مسائل و وقایع تاریخی، به دور از هر جناح بندی و سلیقه های شخصی و سیاسی، آنچنان که بوده بدون تحریف و کم و کاست، شفاف و روشن، برای ثبت در تاریخ و آگاهی نسل جوان و نسل های آینده تدوین شود. ولی عقیده ما بر این است که تنها دستها و عوامل برون مرزی نیستند که به نفع خود به تحریف تاریخ دست می زنند، بلکه بیشتر از آنان، در این دو دهه اخیر، عوامل داخلی، به ویژه حاکمان بر قدرت نشسته، تاریخ یکصد ساله اخیر ایران را به کلی دگرگون ساخته اند و حقایق و واقعیت های انکار ناپذیر تاریخی را بصورت کاملا جناحی و قشری و یکطرفه تغییر بنیادی داده اند. وقتی ملت ایران می بیند که جنبش و انقلاب عظیم مشروطیت ایران به شیخ فضل اله نوری نسبت داده می شود (۱) و آشکارا می بیند که ملی شدن صنعت نفت به آیت اله کاشانی، و گاهی یا فراتر گذاشته به فدائیان اسلام، نسبت می دهند. در کتابهای درسی نوجوانان شاهدهیم که چگونه حقایق مسلم تاریخی را اینگونه تحریف می نمایند و همه مبارزه و مجاهدتها و پیروزی های ملت ایران در طول تاریخ ۴۰۰ ساله اخیر را تنها به روحانیت منتسب می کنند و تمام شکستها و ناکامی ها را به دلیل درگیر نبودن روحانیت در آن برهه از زمان در فعالیت های سیاسی، به گردن روشنفکران می اندازند. کاش حکومتگران جمهوری اسلامی یکبار دیگر تاریخ ایران را به دقت مرور می کردند و به این نتیجه می رسیدند که چه عواملی باعث شد ۱۷ شهر قفقاز از ایران جدا شود. و یکبار لااقل لیست نمایندگان مجلس

مؤسسان رضا خان را مرور می کردند و می دیدند چه اشخاصی به بقای سلطنت پهلوی رای دادند. تاریخ را همچنان ورق بزنند و ملاحظه کنند که چه کسانی در ۹ اسفند ۱۳۳۱، از خروج محمدرضا شاه به خارج از کشور جلوگیری و پایه های کودتای ۲۸ مرداد را پی ریزی کردند. آیا با این وضع و شرایط و این جو حاکم بر کشور فکر می کنید اسناد و مدارک تاریخی می توانند تأثیر و کاربردی داشته باشند. آیا از اسناد قابل قبول همان هایی هستند که مطلوب حکومتگران می باشند؟

در همین رویداد ۱۶ آذر "روز دانشجو"، همه دست اندرکاران جمهوری اسلامی کوشش داشته اند که این رویداد بزرگ و حادثه غم انگیز را تنها به یک موضوع ارتباط دهند و هرگز به دیگر مسائل مطرح در آن زمان اشاره نکرده اند و آن جریان را تنها به سبب ورود نیکسون معاون رییس جمهور آمریکا نسبت داده اند. در حالی که دهها مسئله بزرگ و کوچک دیگر در کنار آن نهفته بود که هر یک به تنهایی برای به وجود آمدن آن فاجعه کافی بود. رویداد ۱۶ آذر نتیجه پیامد و کودتای ننگین ۲۸ مرداد بود که غافلگیرانه به ملت ایران تحمیل شده بود، و هنوز چند ماهی از آن گذشته بود که ملت رنجیده به وضوح می دید که تمام مبارزه و مجاهدتهای حق طلبانه چندین ساله او به یکباره مورد شدیدترین تهاجم ها قرار گرفته و روند آن متوقف شده است.

اعمال کودتاچیان ضد ملی، همه ملت را به هیجان درآورده بود و در فاصله کودتا تا ۱۶ آذر روزی نبود که مردم و به ویژه دانشجویان دست به تظاهرات زنند. دانشگاه تهران و مدرسه ها از آغاز سال تحصیلی به اشغال نظامیان درآمده بود و حکومت نظامی به شدت در سراسر کشور اعمال می شد، ولی مردم از پای ننشستند و با اعتصابات و تظاهرات خیابانی خود در هر فرصتی "مصدق پیروز است" و "مرگ بر کودتاچیان" سر می دادند و بازار تهران به صورت تعطیل درآمده بود تا جایی که تصمیم گرفتند درهای مغازه ها را بشکنند و سقف بازار را خراب کنند. مردم از اینکه می دیدند هر نهضت ملی ایران در چنگال دژخیمان کودتا سیر و در بی دادگاه نظامی در برابر زنده ترین توهین های دادستان نظامی قرار گرفته، خشمگین و هیجان زده بودند. در این شرایط خفقان، کودتاچیان زخم مهلک دیگری بر پیکر ملت ایران وارد کردند. روز شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۳۲ ساعت ۲ بعدازظهر، بطور همزمان در تهران و لندن، اعلامیه دولت مبنی بر برقراری روابط انگلیس انتشار یافت "... دولت شاهنشاهی ایران و دولت علیاحضرت ملکه انگلستان اینک تصمیم گرفته اند روابط سیاسی را برقرار سازند... و سپس در نزدیکترین هنگامی که مورد موافقت طرفین باشد در باب حل اختلاف مربوط به نفت که اخیراً موجب تیرگی روابط بین آنها شده بوده آغاز به مذاکره نمایند و بدین ترتیب دوستی دیرینه خود را برقرار و مستحکم نمایند..." انتشار این اعلامیه سبب شد که ملت به هیجان آید و در روز ۱۵ آذر در سراسر کشور تظاهرات و اعتصابات صورت گیرد، بویژه در بازار تهران و دانشگاه و دبیرستانها شعار آن روز، افزون بر "مصدق پیروز است"، علیه تجدید روابط با

انگلستان و استقرار مجدد شرکت نفت بود. آنروز ایران یکپارچه آتش و هیجان و احساس بود.

در روز دوشنبه ۱۶ آذر در حالیکه نظامیان چون گذشته در دانشگاه مستقر بودند و هر حرکتی را زیر نظر و کنترل داشتند و ظاهراً دانشگاه نسبت به روزهای دیگر از یک آرامش نسبی برخوردار بود و دانشجویان در سر کلاس های درس بودند، یکباره، در ساعت ۱۰ بامداد، گروه کماندوها وارد دانشگاه شدند و دانشکده فنی را به محاصره درآوردند. دستگاه حاکمه تصمیم داشت با کشتار دانشجویان دانشکده فنی که هسته اصلی مقاومت دانشجویی بودند آنان را سرکوب کند به با این روش رعب و هراس را بر جامعه نشاناند. حضور کماندو ها در دانشکده فنی زنده یاد مهندس عبدالحسین خلیلی (عضو شورای مرکزی جبهه ملی) را نگران ساخت و دستور داد کلاسها را تعطیل و دانشجویان بدون تظاهرات دانشگاه را ترک کنند. در حالی که دانشجویان آرام به در خروجی می رسیدند، کماندوها یکباره بسوی دانشجویان آتش گشودند و حمله کردند، که در نتیجه سه تن از بهترین فرزندان مبارز میهن که یاد و خاطره شان همیشه جاویدان خواهد بود، "احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی" به شهادت رسیدند و بیش از سی نفر زخمی و شماری نیز دستگیر شدند. بازتاب این رویداد ددمنشانه جامعه و دانشگاه را به هیجان درآورد و در محافل سیاسی جهان واکنش شدیدی را سبب شد و حکومت را به تکاپو واداشت. تنها روزنامه ای که در آن زمان اجازه انتشار داشت و می توانست برخی مطالب را انتشار دهد روزنامه شاهد بود که در اینباره چنین نوشت: "... خونی که در دانشگاه جاری شد مظهر اعتراض ملت بود. دانشگاه سوگوار است نوار سیاه بر سینه عناصر ملی در روز ورود اولین مأمور سفارت منحل انگلیس نشانه تنفر و اعتراض عمیق ملت نسبت به تجدید روابط ننگین است..."

در روز ۱۷ آذر، خبر سفر نیکسون در جراید اعلام شد و در روز ۱۸ آذر ۱۳۳۲ معاون رییس جمهور وقت آمریکا با تشریفات ویژه به ایران وارد شد.

جناب آقای یونسی اجای بسی شگفتی و پرسش است که چرا مدت ۲۳ سال پس از انقلاب حتی یکبار اجازه نداده اند از یک رسانه گروهی و یا یکی از تریبونهای نماز جمعه علل واقعه ۱۶ آذر را آنچنان که به راستی بود بازگو کردد؟

"پیک خاوران" به صحنه گام نهاد

شماره نخست "پیک خاوران" در استان خراسان در ۱۲ صفحه انتشار یافت. عنوان نوشته ها عبارتند از: داستان یک پرونده، از ۱۶ آذر تا ۱۸ تیر، جنبش دفاع از حقوق معلولان، ادبیات مقاومت، باشگاه قهرمانان ملی، خاطرات ماندگار، لیبرال کیست، سیاوش و ... در شماره بعد درباره این نشریه بیشتر سخن خواهیم گفت.

آزادسازی آذربایجان از سلطه فرقه دمکرات

درباره خیزش مردم آذربایجان و واژگون ساختن حکومت فرقه دمکرات پیشه‌وری در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵، و بی تفاوتی حاکمیت کنونی و رسانه‌های گروهی، بویژه صدا و سیما، در طی سالهای گذشته نسبت به این رویداد ملی، از سوی شمار قابل توجهی از هم‌وطنان آذربایجانی تذکراتی به نشریه داده شده و نوشته‌های فرستاده شده است که بدلیل محدود بودن صفحه‌های پیام، با پوشش از همگان، به ناگزیر فقط بخشی از نامه آقای میرمحمود بنی هاشم از شخصیت‌های فرهنگی و نویسندگان سرشناس آن سرزمین پرفروغ، که در تمامی درازنای تاریخ، مردم آن آماده دفاع از یکپارچگی، استقلال و آزادی و سرفرازی ایران و ایرانی، و از آفرینندگان فرهنگ پر بار این کشور و توان بخشنده به زبان ملی، بوده‌اند را در زیر نقل می‌کنیم. در مقدمه نامه ایشان به چگونگی رویداد تجزیه یکساله آذربایجان بر پایه طرح و حمایت ارتش شوروی، به منظور اعمال فشار بر ایران برای تسلیم شدن به خواسته‌های شوروی، و نیز تجاوزگرهای پیشه‌وری و اعضای فرقه دمکرات به مردم آذربایجان پرداخته‌اند که همگان از آن آگاهی دارند. بخش دوم نامه چنین است:

پیشه‌وری از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ به مدت یک سال با حمایت ارتش شوروی و بزور اسلحه در آذربایجان بنام فرقه دمکرات حکومت کرده و مرتب به مقامات شوروی وانمود می‌کرد که مردم با آنها هستند. لیکن در زمان رحلت حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (ره) وقتی خبر در شهر تبریز پیچید، ناگهان شهر به عزاخانه و ماتمکنده تبدیل شد، انگار که قیامت کبری اتفاق افتاده است. می‌گویند سرکنسول روس به

این صحنه‌ها مات و مبهوت ماند و پیشه‌وری را خواسته پرخاش کنان می‌گوید: این چه وضعی است که شما به ما وعده داده اید!! این هزاران عزادار سیاه‌پوش که به سر و سینه می‌زنند، کیستند؟ شما با این همه فدایی و قشون مسلح و مأموران مخفی چطور نتوانستید این حادثه را پیش‌بینی و از وقوع آن جلوگیری کنید؟ پیشه‌وری در پاسخ عاجز ماند، ولی از همراهان به سرکنسول روس گفته‌اند: "هیچ نیرویی نمی‌تواند جلو احساسات مسلمانان را بگیرد. این شخص که فوت کرده مرجع تقلید شیعیان جهان بود. سرکنسول می‌گوید، کمونیست این چیزها را قبول ندارد، یک فرد کمونیست جز به رهبر حزب به چیزی نمی‌اندیشد، معلوم می‌شود تمام گزارشهایی که به کنسولخانه داده شده دروغ محض بوده است. در واقع "استالین" با آگاهی از این احساسات دینی ملی و اعتقادات مردم، قرارداد نفت را با قوام السلطنه و خروج روسها را از آذربایجان، و در نتیجه رأی‌رایی از این بن‌بست، را امضا کرده بود. به محض خروج روسها از آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، طغیان وطن‌پرستان و جوانان آذربایجان در تمام شهرها و روستاها بر علیه حکومت پושالی و ساختگی پیشه‌وری آغاز شده و سران فرقه بنای فرار را بسوی روسیه گذاشته و آذربایجان توسط وطن‌پرستان آزاد و پرچم وحدت ملی ایران بدست مردم برافراشته شد.

مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالله مجتهدی در خاطرات خود می‌نویسد (ص ۳۵۴) به پنجشنبه ۲۱ آذر ۱۳۲۵: "با صدای این قطع تیر از خواب بیدار شدیم که اوضاع بکلی برگشته است. اهل بر علیه حکومت پیشه‌وری قیام نموده و شهر را متصرف شده‌اند، فدایی‌ها و مهاجرها را خلع سلاح نموده و دسته دسته مردم شهر که مسلح شده‌اند، مشغول تعقیب و دستگیری و قتل سران و سرکردگان آنها می‌باشند. پیشه‌وری فرار کرده است، نظمی به تصرف شهر درآمده است و مهاجرهایی که در خانه‌های مصادره شده اسکان داده شده بودند بیرون ریخته شده‌اند. از هر طرف

صدای تیر و تفنگ و طپانچه و مسلسل که به خوبی از همدیگر متمایز بودند، شنیده می‌شد. سالگرد روز بیست و یک آذر ۱۳۲۵ بر عموم ایرانیان، بویژه مردم آذربایجان، مبارک باد. شادروان استاد "محمد قاضی" خطاب به دژخیمان از زبان "آذربایجان" و مردم آن چنین بیان می‌کنند: من آن خطه آذر آباد گانم که ایران زمین را دل و چشم و جانم نه ترکم، که پرورده اردشیرم نه ترکم، که محبوب نوشیروانم بزرگان من، فخر ایران زمینم از امروز و از دوره باستانم. و یا "سیح خلیخالی"؛ من آن خاک بلاخیز بلاگردان ایرانم من آذربایجانم، پرورشگاه دلیرانم بگو با خصم من، تاریخ عالم را بدقت خوان که دانی من پدیدارنده تاریخ ایرانم من از چنگیزیان مشت فراوان خوردم و اینک نه چنگیز است ولی مشتش، من آن دیرینه‌سندانم من از سم ستور لشکر ترکان عثمانی لگدها خوردم و نگذاشتم گردی بدامانم من اندر سخت جانی، شهره دنیای دیرینم تو پنداری، مجارستانم و چین و لهستانم؟! من آذربایجانم، لایموتم، من نمی‌ترسم اگر ایران ما جسم است، من در جسم او جانم من امضا کرده‌ام منشور استقلال ایران را به خون پاک خود، کان موجها دارد بشریتم بنا شد در نهادش غیر مهر پرچم ایران هر آن طفلی که نوشد، شیر پاک از نوک پستانم

خاتمی باید در سفر پاکستان به عملکرد آن دید انتقادی داشته باشد

دکتر ورجاوند، عضو رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران، در گفتگو با ایسنا اظهار کرد: "روابط با پاکستان، مانند روابط ایران با سایر کشورهای پیرامونی، دارای اهمیت ویژه است. وی با اشاره به تاریخ ایجاد کشور پاکستان، خاطر نشان کرد: زمانی که استعمار انگلستان می‌خواست از شبه قاره بیرون برود برای دور نگه داشتن هند از توانمندی‌هایش در آینده و بهبود موقعیت خود در رابطه با دیگر کشورهای جهان، اقداماتی برای پدید آوردن یک کشور جدید با نجزیه کشور هند به عنوان پاکستان انجام داد. در آغاز، پاکستان شامل دو بخش خاوری و باختری بود که سرانجام بنگلادش (بخش خاوری) طی جنگی از آن جدا شد. از آغاز پیدایش پاکستان شاهد درگیری‌های زیاد و گاه جنگ میان هند و پاکستان بوده‌ایم."

پاکستان با وجود شرایط بد اقتصادی‌اش مورد حمایت غرب قرار گرفت تا بتواند به سلاح اتمی دست پیدا کند. دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بجای تقیح این عمل و اظهار نارضایتی، بگونه‌ای از این مسأله استقبال کرد.

به گفته‌ی وی، پاکستان بر پایه ضوابط تاریخی حاکم بر شکل گرفتن یک ملت جدید که باید دارای ویژگی‌های خاص باشد و بتواند به ساختار واقعی یک ملت بینجامد ایجاد نشد. درگیری‌هایی بیشمار پاکستان در طول تاریخ خود با بخش خاوری خود و با هندوستان همیشه عامل تنش در منطقه بوده است.

در جامعه‌ی پاکستان پدیده قومیت‌ها و مذاهب به گونه‌ی ویژه خود نقش آفرین است و با بسیاری کشورها مشابه دیگر قابل مقایسه نیست. دستاورد حضور گسترده‌ی وهابیت و هزینه‌های سنگینی که قدرت‌های نفتی حوزه‌ی خلیج فارس در آنجا هزینه کرده‌اند، پیدایش جریان‌هایی مانند القاعده و طالبان در افغانستان بوده است.

سپس با اشاره به اینکه هنوز مدارس مذهبی با آموزشهای

از طریق افغانستان می‌تواند روابط خود را با بخش‌های آسیای مرکزی برقرار کند. به همین دلیل، از زمان آغاز درگیری‌ها در افغانستان، مهمترین نیرویی که در آنجا برای خود قدرت مانور به وجود آورد پاکستان بود که هم حمایت آمریکا و انگلستان و هم حمایت‌های مالی عربستان و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را که به دلیل اختلاف مذهبی با ما و روابط سیاسی که در آن برهه‌ی زمان در نزدیکی با آمریکا و انگلستان داشتند سعی می‌کردند امکان‌هایی مناسب را در اختیار پاکستان بگذارند تا پاکستان بتواند در افغانستان نفوذ قطعی داشته باشد. این عامل همگام با نابخردی‌های دیپلماسی ایران در قبال مسأله افغانستان و عملکرد غلط گروه‌های گوناگون از ارکان‌های مختلف جمهوری اسلامی که در آنجا فعال بودند و می‌کوشیدند به جای کل ملت افغانستان، که دارای پیوندهای قوی با ملت ایران هستند، فقط اقلیت شیعه را مورد حمایت قرار دهند، موجب شد که پاکستان در افغانستان سلطه یابد و بتواند سال‌های طولانی در آنجا به بهره برداری‌های فراوان دست پیدا کند."

دکتر ورجاوند بیان اینکه پاکستان در افغانستان تا مرحله‌ای پیش رفت که توانست بخش عمده‌ای از افغانستان را به نام طالبان زیر سلطه بگیرد، تصریح کرد: "به شهادت مدارک مختلف از جمله روزنامه‌های خود پاکستان شاهد آن بودیم که ارتش، دستگاه لجستیکی و جنگ افزار پاکستان بود که برای شکستن مقاومت ملت و مستقر کردن یک گروه واپس گرای مزدور در افغانستان تلاش می‌کرد."

وی معتقد است پاکستان حتی در یک لحظه و برهه‌ی زمانی در مسیری حرکت نکرده که روابط حسن همجواری را با ایران مدنظر قرار دهد، و در هر فرصت و موقعیتی که توانسته، به منافع ایران لطمه زده اما همواره حاکمیت ایران در مقابل پاکستان کوتاه آمده و در تمامی موارد سعی کرده قلدری‌های پاکستان را پذیرا باشد.

مذهبی قشری و نظامی، ساختاری که طالبان را ایجاد کرد، در پاکستان فعال است، تاکید کرد؛ بخشی از نیروهای مذهبی که امروز در غالب شش جریان کنار هم آمده‌اند و به سازمانی سیاسی با توانایی نقش آفرینی در صحنه‌ی سیاسی پاکستان تبدیل شده‌اند، از حمایت کامل ارتش برخوردارند. ارتش برای تثبیت قدرت خود، و دور ساختن دو حزب مردم و مسلم لیگ، در تشکل دولتی متکی به رأی مردم، این جریان و شاخه وابسته به خود در مسلم لیگ دارد تا سلطه خویش را حفظ کند. پدیده‌ای که هشدار می‌دهد برای یک ایران مرده‌سالار خواهد بود.

ایران باید توجه داشته باشد که در عملکرد و برخورد خود با سیاست پاکستان، این کشور را متوجه سازد که نمی‌تواند منافع ایران را نادیده بگیرد و با ایجاد اغتشاش و اشکال، چه در مرزهای خود با ایران و چه در مرزهای بخش جنوب غربی افغانستان با ایران، بسود خود جوتش را حاکم سازد و باج خواهی کند."

وی اظهار داشت: "هنوز گروه‌هایی که مورد حمایت پاکستان بودند در منطقه‌ی جنوب، جنوب شرقی و بخشی از جنوب غربی افغانستان مشکل ایجاد می‌کنند و حتی در افغانستان به رو در روی می‌پردازند و این‌ها همواره می‌توانند محیط متشنجی را در مرزهای خاوری ایران بوجود آورده که در این زمینه ایران باید خواهان مذاکرات روشن و ضوابط قابل کنترل از سوی پاکستان باشد. در غیر این صورت، این نگرانی وجود دارد که باز دیگر پاکستان از موقعیت خاص کنونی‌اش بهره گیرد و بتواند مقداری وزن و موقعیت سیاسی خود را به این اعتبار که با کشور بزرگ همسایه‌ی خود به تفاهم دست یافته در منطقه تثبیت کند، در حالی که در عمل در مسیر این تفاهم هیچ گامی برندارد."

دکتر ورجاوند ادامه داد: "پاکستان افغانستان را حیاط خلوت خود می‌داند و معتقد است اگر در افغانستان تسلط داشته باشد می‌تواند از موقعیت منطقه‌ای مناسب برخوردار باشد، زیرا بویژه

جبهه ملی ایران بر خورد ناهنجار دولت آمریکا با ایرانیان باشنده آمریکارا بشدت محکوم می کند.

به گواهی تاریخ، ملت ایران پیوسته، حتی زمانی که ابر قدرت جهان بوده، در حفظ و رعایت حقوق انسانی سایر ملت ها کوشا بوده است. رفتار کوروش با مردمان سرزمین های فتح شده و تحت انقیاد، احترام و عفو او نسبت به پیروان سایر دین ها از الگوهای ستوده کشورداری به شیوه انسانی در طول تاریخ می باشد. در فروردین یشت، کرده ۳۶ بند ۴۵، نیز آمده است: "قروهرهای مردان و زنان پاکدین همه کشورها را می ستایم". و همین پیشینه فرهنگ و تمدنی در دوره های تاریخی ساری و جاری بوده است، و گرچه حاکمیت هایی سلطه گر نیز، در برهه های مختلف بر سرنوشت کشور و ملت حاکم بوده اند، اما این ویژگی هرگز به طور کامل رنگ نباشته است. در همین سال های اخیر نیز ایران به عنوان مهاجرپذیرترین کشور جهان معرفی شد. آوارگان سرزمین های جنگ زده همچوار و دوردست، همیشه به این سرزمین پناه آورده در میان جامعه ما پذیرفته شده اند و غالب امکانات اجتماعی موجود بطور مساوی شریک گردیده اند. کسانی هم که از این کشور به سایر سرزمین ها رفته اند غالباً حاملان دانش و فرهنگ بوده اند و به پیشرفت و گسترش دانش در آن کشورها کمک های شایانی کرده اند. امروز چهره های مطرح علمی ایرانی در سراسر جهان پر آوازه اند. برخی آمارهای منتشر شده حکایت از آن دارد که یکصد هزار نفر با تحصیلات عالی به آمریکا مهاجرت نموده اند که دستیابی به چنین نیروی ده میلیارد دلار صرفه جویی در هزینه برای آمریکا داشته است.

در زمینه همدلی با سایر کشورها نیز رفتار ملت ایران همیشه بیانگر بوده است. جمع آوری کمک های مختلف برای جنگ زدگان سایر کشورها، یا روشن کردن شمع به یاد کشته شدگان حادثه ۱۱ سپتامبر مثال هایی از این زمینه می باشد. حال، با توجه به آنچه گفته آمد، بررسی رفتارهای دولت آمریکا در برابر ملت ایران نیز حایز اهمیت است. کودتای ۲۸ مرداد ماه یا همکاری انگلستان، که خانم آلبرایت در زمان ریاست جمهوری کلینتون زبان به عذرخواهی از آن حادثه گشود، بلکه کردن اموال ایران پس از انقلاب ۵۷، وحشی خطاب شدن ملت ایران توسط ریگان (که واکنش شدید جبهه ملی را برانگیخت)، کشته شدن ۲۹۰ سرنشین بی گناه هواپیمایی که توسط ناوهای آمریکایی هدف گلوله قرار گرفت و ده ها حادثه کوچک و بزرگ دیگر حاکی از آن است که مشکل ارتباطی پیش آمده بین دو کشور، زمینه هایی دیرین و مسأله ساز دارد. اما در حالی که رویکرد گروه های سیاسی اصلاح طلب، روشنفکران و ملت ایران رو به مثبت شدن نسبت به تجدید ارتباط با آن کشور سمت و سو گرفته است و موضع گیریها و تهدیدهای جناح اقتدارگر نتوانسته است منع و بازداری پدید آورد، اقدام اخیر دولت آمریکا در برخورد و حشیانه و تجاوزگرانه با ایرانیان ساکن بخشی از آن کشور، بسیار نابخردانه و غیرانسانی تلقی می شود و تمام شعارها، موضع گیریها و وعده های او را زیر پرسش می برد. در حوادث اخیر افغانستان، هیچ نام ایرانی در بین گروه القاعده به چشم نمی خورد، بلکه ایران خود از قربانیان طالبان ساخته و پرداخته آمریکا و انگلستان می باشد. دولت آمریکا نیز از سوی دیگر به ظاهر حساب ملت و اقتدارگرایان را از هم جدا می کند، حال با این اوصاف این پرسش باقی می ماند که چه گروهی در آمریکا از اقدام اخیر آمریکا نسبت به مهاجران ایرانی سود برده است. در داخل کشور که گروه های اقتدارگرا بیشترین سود را برده اند، و در آمریکا نیز شاید لابی های صهیونیستی بیشترین انتفاع را از حادثه اخیر برده باشند.

جبهه ملی ایران رفتار دولت آمریکا نسبت به ایرانیان را به شدت محکوم می کند و آن گروه از صاحبان قدرت خردمند آن کشور را که انجام اینگونه اقدامات تجاوزگرانه را در شأن جامعه ایرانیان صاحب شخصیت مقیم آمریکا نمی دانند به بازنگری در سیاست های اخیر و کوشش در جبران آن فرا می خوانند.

رفتار ناهنجار با ایرانیان مهاجر

رفتار ناهنجار و توهین آمیز پلیس آمریکا با ایرانیان مهاجر، که حتی بعضاً با پای خود به اداره مهاجرت رفته بودند، موجی از اعتراض در داخل و خارج کشور را برانگیخت، و هزاران ایرانی با نظاهرات آرام خود باین رفتار غیر انسانی پلیس آمریکا اعتراض کردند و دولت ایران نیز بدرستی، علیرغم اینکه بسیاری از این مهاجران، از مخالفان جمهوری اسلامی بوده اند، بر رفتار سوء صورت گرفته نسبت به آنها اعتراض کرد. امید است شرایطی فراهم شود تا با تحقق شعار ایران برای همه ایرانیان هموطنان آواره ما با عزت و اطمینان به میهن خود باز گردند و چنین مورد تعرض دولتهای بیگانه واقع نشوند.

وقایع مشابه و پاسخهای کلیشه ای

کسانیکه اخبار داخلی را دنبال می کنند، همواره به پاسخهای یکسانی که برای وقایع مشابه از طرف مسئولان داده می شود، برخورد می کنند. پاسخ محکومیت نقض حقوق بشر؛ برخورد سیاسی و دوگانه با موضوع حقوق بشر و نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در فلسطین اشغالی.

پاسخ توقیف روزنامه ها؛ تبلیغ بر علیه نظام و اشاعه اکاذیب و ایجاد تشویش در افکار عمومی. و اما در پاسخ به علت سقوط پی در پی و بی سابقه هواپیمای مسافری، (که متأسفانه در آستانه افتتاح پرواز اولین هواپیمای ایران ۱۴۰ ساخت ایران، نمونه اوکراینی آن با ۴۶ نفر سرنشین و خدمه در نزدیکی اصفهان سقوط کرد)، همیشه علت یک امر بوده و نه بیشتر، و آن خطای خلبانی که در حادثه از بین رفته است! تحریم اقتصادی آمریکا ما را از استفاده از هواپیمایی که موتور آنها ساخت آمریکاست محروم کرده است و ما با خرید هواپیمای دست دوم فکر و توپولووف و نوع اخیر آنتونیوف که آنرا با نام ایران ۱۴۰ با کمک اوکراین مونتاژ کرده اند، دست به قمار خطرناکی زده ایم که نه تنها جان مسافران بلکه جان مسئولان و مقامات کشور را نیز به خطر انداخته است، هر چند که آنها همچنان پرواز با بوئینگ های دست دوم را ترجیح می دهند و مرگ بر آمریکا را بمنزله مرگ بر هواپیمای بوئینگ تلقی نمی کنند.

دو خبر از زنان نقابدار اصفهانی

زنان سیاه پوش نقابداری که در اصفهان به ضرب و شتم زنان و گاهی جهانگردان خارجی می پردازند، بنا به نوشته روزنامه همشهری (۸۷۹/۱۹) فعالیتشان روز به روز بیشتر می شود. واجب کردن پوشینه و پوشاندن قرص صورت و چادر مشکی در منزل، حرام کردن موسیقی حتی مارش پیش از اخبار، تحریم دیدن و شنیدن تلویزیون و رادیو، تحریم سلام کردن به زنان و مردان نامحرم از جمله روشهای طالبانی آنان بوده، که شورای تأمین استان به نیروی انتظامی دستور جلوگیری از اقدامات آنان را صادر کرده است. ولی در قضاوت و ابراز خوشحالی عجله نکنید چون در همین روزنامه همشهری (۸۷۱۰/۵) از قول معاون قضایی اداره کل دادگستری استان اصفهان آمده است "انگیزه زنان روینده دار اعتقادی است و فعالیت سیاسی انجام نمی دهند و با توجه به مذاکراتی که با مسئول گروه انجام شده، این افراد جهت آموزش های لازم برای امر به معروف و نهی از منکر و برای گرفتن کارت شناسایی به نیروی مقاومت بسیج معرفی شدند. این روزنامه در پایان می نویسد: "این گروه زنان نقابدار اصفهانی معتقدند که امر به معروف و نهی از منکر را تا حد اعمال زور و کتک زدن باید انجام داد."

البته رفتار آنها همان کاری است که لباس شخصیهای بی سیم بدست و مسلح در همه جا انجام میدهند، بنابراین داشتن نقاب یا نداشتن آن تأثیری در نتیجه کار نخواهد داشت، و مسئولان محترم با وجود نقاب در شناسایی آنها اظهار عجز و ناتوانی نکرده اند. آنها فقط کارت شناسایی کم داشته اند که آنهم صادر خواهد شد، هر چند معلوم نیست مشکل عکس صاحب کارت نقابدار را چگونه حل خواهند کرد!

رییس جمهور از زبان معاونش آقای سید محمد ابطحی

معاون رییس جمهوری در گفتگویی غیر سیاسی با روزنامه حیات نو (۸۷۱۰/۵) نکته های جالبی را بازگو کرده است که می توان آن را سیاسی تر از هر مصاحبه و به نوعی انعکاس نظریات رییس جمهور ارزیابی کرد. او می گوید: "خوشبختانه هنوز اذکر کشور ما رییس جمهورها معصوم نشده اند و در جایی دیگر اضافه می کند: "آن قدر بعضی از واحدهای خارج از دولت قدرت دارند که گاهی دولت حسرت می خورد که چرا بخش اندکی از این قدرت در اختیار او (دولت) نیست." و باز با اعتراف به ناراضی مردم از حکومت، اظهار خوشحالی می کند: "این هوشمندی تاریخی ملت ایران است که بین مبانی دینی و رفتارهای حکومتی فرق می گذارند. خودشان با خدای خودشان، روابطی دارند که هیچ ربطی به ناراحتی شان از حکومت دینی ندارد." آقای ابطحی بعد به عرصه روابط سیاسی وارد می شود و می گوید: "بیشترین درصد فعالیت مجموعه حاکم صرف ختنی کردن فعالیت های بخش دیگر مجموعه حاکم می شود. این پدیده نادری در سیاست جهانی است. (لطفاً این جمله را مجدداً مرور کنید!) این، فرصت های بسیاری را از همه بخش ها می گیرد (و طبعاً ملت زبان آن را می پردازد و صدمات آنرا تحمل می کند) و بعد ادامه می دهد: "متأسفانه در ایران قاعده بازی دموکراسی خیلی نیم بند است. (آقای ابطحی مثل بقیه موارد نمی گوید در جمهوری اسلامی ایران فقط به ذکر "ایران" بسنده میکند) و این یاس آور و خطرناک به نظر می رسد... در اینجا مردم انتخاب می کنند اما اتفاقی نمی افتد، یادم می آید عصر روز جمعه هجدهم خرداد ۸۰ بود، ما نخستین خبرهای خوش را درباره انتخابات دریافت می کردیم. اما همان موقع دعوت شدیم به جلسه ای که در آن جلسه تصمیم گیری می شد که مردم مبادا به خاطر انتخاباتشان در جامعه شادی و خوشحالی راه بیندازند." (پایان نقل قول)

واقعا باید به قدرت و شوکت دولتی که دیگران حتی در مورد ابراز شادمانی بخاطر آن تصمیم می گیرند غبطه خورد.

گرامیداشت ۱۷ دی ماه سالگرد درگذشت جهان پهلوان تختی عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران

شادروان غلامرضا تختی در شکوفاترین دوران زندگی به گونه‌ای ابهام انگیز جان به جان آفرین تسلیم کرد و ملت ایران و جامعه ورزشی کشور را به سوگ نشاند. سخن درباره خصلت‌های پهلوانی آن بزرگمرد و توانایی‌های او در ورزش کهن ایران زمین، کشتی، را یاد آور نام بزرگ قهرمانانی چون پوریای ولی است، سخن گسترده می‌طلبد. کوتاه سخن ما در اینجا اشاره به این واقعیت است که تختی را قهرمانی او در کشتی به اعتبار و موقعیتی که امروز در جامعه ایران دارد نکشاند، بلکه حضور مؤثر او در صحنه مبارزه ملی و یاری‌هایش در جنبش‌های اجتماعی او را صاحب چنین جایگاهی کرده است.

تختی در زمانی که شمار فراوانی از قهرمانان و ورزشکاران بر آن بودند تا نظر صاحبان قدرت را بسوی خویش جلب سازند، و یا اگر خیلی ازاده بودند چنان کنند که لااقل مورد بی‌لطفی دستگاه قرار نگیرند، با حضور مؤثرش در صحنه مبارزه ملی در کنار جبهه ملی ایران، که تواناترین سازمان در برابر رژیم شاه بشمار می‌رفت، راهی را برگزید که تا سده‌ها نامش در تاریخ ایران زمین زنده و جاوید خواهد ماند. حضور صادقانه او در جبهه ملی سبب گردید تا در نخستین کنگره بزرگ این سازمان در سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای مرکزی برگزیده شود. زنده یاد تختی با براه انداختن کاروان بزرگ گردآوری کمک‌های مردمی برای آسیب دیدگان زلزله دهشتناک بوئین زهرا، نشان داد که یار و یاور مردم ستم رسیده سرزمینش می‌باشد.

زنده یاد تختی در چهلمین روز درگذشت دکتر مصدق با جمعی از یاران در احمد آباد حضور یافت تا نسبت به رهبر بزرگ نهضت ملی و جبهه ملی ایران ادای احترام کند. او در کنار مزار زانو زد و بر گور مصدق بوسه زد تا نشان دهد که پیرو راستین راه آن رهبر گرانقدر است. صلابت و چهره مصمم او در آن مراسم چنان بود که به مأموران ساواک و دستگاه شهربانی اجازه کوچکترین واکنشی را نداد. ما امید داریم که همه قهرمانان جوان کشور به راه و روش این پیشکسوت همیشه زنده رو کنند و پی‌جوی راه او باشند.

دست رد زدن قهرمان بزرگ جهان، رضازاده، به پیشنهاد ترکان که می‌خواستند ملیت ایرانی او را با پول بخرند، حکایت از آن دارد که منش قهرمانان نامداری چون پوریای ولی همچنان در ایران و در میان قهرمانان دلاور آن پر رهرو است.



گوشت‌ها قاچاق بوده‌اند نه آلوده

ماجرای گوشت‌های وارداتی آلوده که مدتها تمام اخبار داخلی را تحت‌الشعاع قرار داده بود، اگر چه هنوز از نظر قضایی به آن رسیدگی نشده است و مشخص نیست دهها هزار تن گوشت، چگونه وارد کشور و توزیع شده، اما نوشته‌های پراکنده روزنامه‌ها حاکی است که گوشت‌ها آنچنانکه در ابتدا اعلام شد آلوده نبوده، فقط مانند خیلی اجناس دیگر به زیور "قاچاق" آراسته بوده و یک رقابت تجاری این جنجال را بر پا کرده است. گویا گمرک و پست‌های بازرسی که چمدان مسافران را برای یافتن چند کالای سوغاتی زیر و رو می‌کنند، برای کانتینرهای ۲۰ تنی به تعداد ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ دستگاه چشم‌بینایی ندارند و یا جرات برای بیان و پی‌گیری، بهر حال باید منتظر پایان ماجرای گوشت‌های قاچاق (اعم از آلوده و غیر آلوده) بود. اگر چه از ابتدا نمی‌باید امید به اعلام نام‌های فرد یا افرادی خاص را داشت، همچنانکه در ماجرای ۱۰ تن مسی که بصورت شمش طلا در حال قاچاق بود، از هیچ‌کس، جز مأموران انتظامی که محموله را کشف کرده بودند، نامی برده نشد.

فرق حکومت اسلامی و حکومت غیر اسلامی

حجت‌الاسلام سید حسن خمینی در گفتگویی با روزنامه همشهری (۸/۷/۵) اظهارات قابل‌تعمقی درباره حکومت اسلامی و اشکال آن ابراز کرده است که با توجه به تحولات فریب‌الوقوع منطقی می‌تواند بسیار جالب توجه تلقی گردد. ایشان می‌گوید: امکان عقلی آن وجود دارد که ما در جامعه‌ای

تشکیل جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران

جلسه ماهانه شورای مرکزی جبهه ملی ایران در روز پنج‌شنبه ۲۸ آذر ماه ساعت ۵ بعد از ظهر به ریاست آقای ادیب برومند تشکیل گردید و پیرامون تحلیل مسائل سیاسی و تشکیلات جبهه ملی ایران گفت‌وگو به عمل آمد.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

اسلامی زندگی کنیم که ظواهرش، برای حفظ حکومت، (باین کلمات دقت شود) با ظواهر یک جامعه غیر اسلامی هیچ تفاوتی نداشته باشد "حجت‌الاسلام دعائی که این گفتگو را با سید حسن خمینی انجام داده است، می‌پرسد: "در این صورت چه تفاوتی بین نظام اسلامی و یک نظام لائیک مثل ترکیه باقی می‌ماند؟" و پاسخ می‌شود: "فرق اینجا با ترکیه این می‌شود که مطابق قانون در رأس این کشور اسلام شناس است." (پایان نقل قول)

ظهور قدرت چنان فریبنده است که الگوی آمریکایی ترکیه را نیز می‌توان در صورت ضرورت پذیرفت.

لباسهای زندان و عکاسان آینده‌نگر

در ماه‌های اول پس از انقلاب عکس‌های متعددی انتشار می‌یافت که بعضی از شخصیت‌های آن روز را با لباس زندان و شماره‌ای روی سینه نشان میداد، که این سند افتخار بشمار می‌رفت و در پوسته‌های انتخاباتی کاربردی مؤثر داشت. چند سال بعد عکاسان (در حالیکه هنوز کامپیوتر کاربردی جدی در عکاسی نیافته بود) برای گرفتن عکس با ریش و اضافه کردن ریش به عکس‌های متقاضیان بعضی مشاغل راه‌هایی ابتکاری یافتند. امروز که قوه قضائیه اصرار دارد برای نشان دادن قدرت فائده خود کسانی مانند عباس عبدی، بهروز گرانیپایه و قاضیان را با لباس زندان به دادگاه بیاورد، به نیت عکاسان آینده‌نگری کنند و بدن‌هایی با اندازه‌های مختلف را با لباس زندان در آرشیو خود نگه دارند تا بتوانند در آینده با مونتاژ عکس سر متقاضیان بروی آنها، عکس‌های افتخارآمیز و تیره‌کننده برای آنها بسازند!